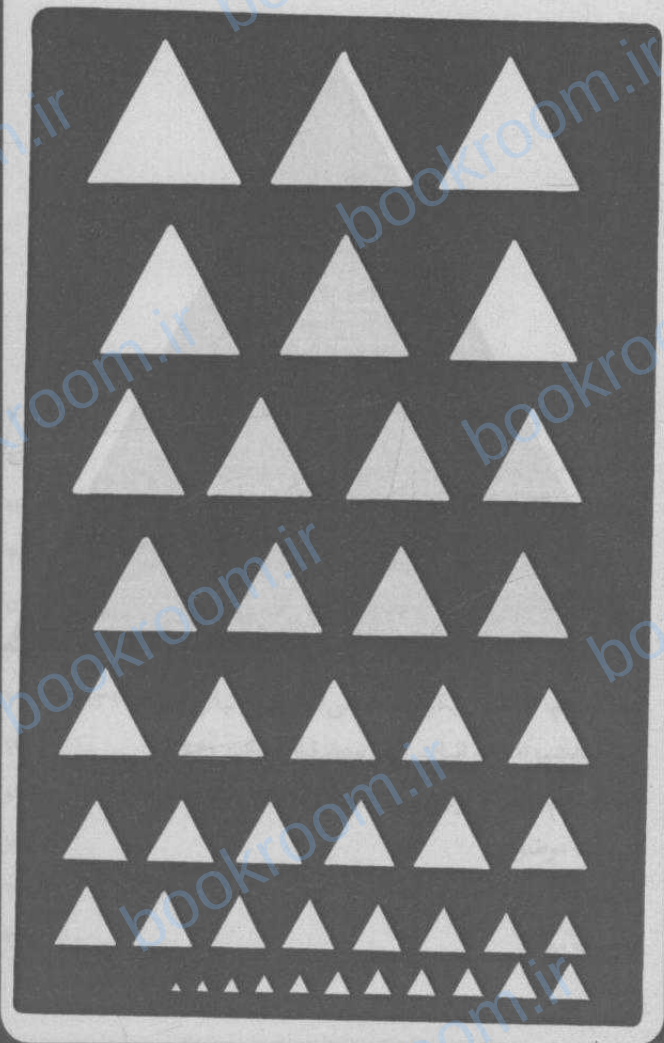


افسانه‌های پیش‌شتر
سعید زیباکلام



فهرست

۷	مقدمه
۹	یادداشت قدردانی
۱۱	رساله یکم: افسانه گوهر ناب تعقل (۱۳۹۰)
۴۵	رساله دوم: افسانه تعقل (۱۳۹۰)
۵۹	رساله سوم: افسانه ذات فلسفه (۱۳۹۱)
۶۵	رساله چهارم: افسانه ماهیت اقناع (۱۳۹۱)
۷۷	رساله پنجم: افسانه رویکرد استدلالی/توجیهی/اثباتی انبیا (۱۳۹۲)
۱۲۳	رساله ششم: افسانه اثبات الهی بودن قرآن حکیم (۱۳۹۶)
۱۷۳	رساله هفتم: افسانه لولوی نسبی‌انگاری (۱۳۹۶)
۱۹۳	فهرست موضوعی
۲۰۱	فهرست اسامی
۲۰۹	فهرست منابع

اجزای این کتاب بیشتر از بیست سال است که در قلب و جانم در حال انعقاد و پخته شدن است. و این یعنی، آثار زیادی طی مدتی طولانی در تقویم آن نقش داشته‌اند، به طوری که محال است بتوانم به درستی هم نام تمام آن آثار را ببرم و هم چستی و میزان تأثیرگذاریشان را تعیین کنم. با این وصف اگر بخواهم از میان آن آثار به ذکر تنها یکی اکتفا کنم که به نظرم خود بیش‌ترین و ژرف‌ترین تأثیر را داشته، بی‌تردید باید از کتاب الله حکیم نام ببرم. آن که به طرز غیرقابل مقایسه با سایر کتب، گهگاه تمام قلب و جانم را زیر و زبر می‌کرد و می‌فشرد و دگرگون و منفجر می‌کرد. اگرچه روشن است که برخی از این سخن‌خشنود می‌شوند لیکن کثیری هم ناخشنود و نومید می‌شوند. باینکه هر شخص متأمل فکوری با کم‌ترین غوری خود به این امر پی می‌برد لیکن زیباتر دیدم که خود آن را صریحا اعلام کنم. درعین حال باید اذعان کنم که معماری و محتوای هر یک از رساله‌های این کتاب محصول جوششی درونی بوده، و امداری منحصر به فردی به هیچ مکتب و مشرب خاصی ندارد. این مجموعه از افسانه‌ها را افسانه‌های بیشتر! نامیده‌ام از آن روی که جلد دوم کتاب افسانه‌های آرام‌بخش نیست. زیرا اگرچه

افسانه‌های مندرج در این کتاب هم آرام‌بخش و تسکین‌بخش‌اند و شباهت یا ربطی اینجا و آنجا به برخی افسانه‌های مندرج در آن کتاب دارند، لیکن هم کاملاً مستقل از یکدیگرند و هم هیچ‌گونه پیوستگی مرسوم و متصوری مجموعاً با آن کتاب ندارند. اجزای این کتاب را همچون اجزای خواهر سال‌مندترش رساله نامیده‌ام نه مقاله، زیرا هیچ‌کدام از آن‌ها در چهارچوب مقالات مرسوم مجلات علمی-پژوهشی نوشته نشده‌اند. مفهوم رساله که سابقه‌ای دیرینه در فرهنگ فکری-پژوهشی ما دارد از چنان انعطاف‌پذیری و انقیادگریزی‌ای برخوردار است که مطلوب تاملات مشهورات‌شکن مندرج در این کتاب است. و در نهایت، همچون در سایر آثارم، در اینجا نیز از رویهٔ جاافتاده و سودمند بین‌المللی بهره‌جسته‌ام: عنوان کتب و مجلات همگی ایرانیک و ضخیم، و اظهارات مورد تأکید بنده و دیگر نویسندگان نیز ایرانیک و ضخیم شده‌اند. همچنین، از خط تیرهٔ کوتاه برای ترکیب دو یا چند کلمه بهره‌جسته‌ام. نیز، در مواضع متعددی از خط بلند درون یک جمله و گاه در پایان جمله‌ای استفاده کرده‌ام برای توضیح نکته‌ای یا تقییدی و یا افزودن مطلبی. خوانندگان با چند نوع علائم دیگر مواجه می‌شوند: هرگاه تک ویرگول‌های وارونه بر سر واژه‌ای می‌نشینند، مانند 'توجیه'، دلالت دارد بر اینکه معنی و مدلول آن واژه خود موضوع مناقشه است و فیلسوفان/متفکران مختلف بعضاً یا عموماً بر سر آن توافق تامی نداشته، بر آن واژه بار یا مفهوم متغایر یا متفاوتی سوار می‌کنند. دبل ویرگول‌های وارونه، مانند "یعقلون"، عموماً برای اصطلاحات و واژه‌های خاص به کار می‌روند تا اصطلاح بودن آن‌ها بهتر دیده شود. و بالاخره، گیومه‌ها که برای نقل اقوال به کار گرفته شده‌اند.